





دانشگاه محقق اردبیلی
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی اندیشه‌ی عرفانی شیخ محمود شبستری و اقبال لاهوری

استاد راهنما:

دکتر شکراله پورالخاص

استاد مشاور:

دکتر رامین محرمی

پژوهشگر:

صادق پناهی

تابستان ۹۳

تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقررات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو

اینجانب **صادق پناهی** دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات محض دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۱۱۱۶۳۱۰۴ که در تاریخ ۹۳/۶/۳۱ از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان «**بررسی اندیشه‌ی عرفانی شیخ محمود شبستری و اقبال لاهوری**» دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

- (۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.
- (۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.
- (۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.
- (۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقررات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مآخذ ذکر نموده‌ام.
- (۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.
- (۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.
- (۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **صادق پناهی**

امضا

تاریخ



دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی اندیشه‌ی عرفانی شیخ محمود شبستری و اقبال لاهوری

پژوهشگر:

صادق پناهی

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران	دانشیار	شکراله پورالخاص
	استاد مشاور	دانشیار	رامین محرمی
	داور		مسروره مختاری

تابستان ۹۳

تقدیم به

مادرم که طراوت باران را به زندگی ام
بخشیده است
پدرم که چون کوه پای بالندگی ما
ایستاده است
و دوستانم که در لحظه‌های ناامیدی مرا
امید بوده‌اند.

سپاسگزاری

بنام خداوند جان و خرد

حمد و ستایش خدایی را که آغاز عالم را با نور نبوت و انجام آن را با ظهور ولایت منسجم و یکسان ساخت. درود و سپاس پیامبری را که ختم دین و پایان آیینش را با کسی که کنیه و اسم او را به همراه دارد؛ یعنی حضرت مهدی(عج) همراه کرده است.

در آغاز بر خود لازم می‌دانم از پدر و مادر عزیزم که در تمام مراحل زندگی همواره مشوق و یاورم بوده‌اند، تشکر کنم و از خداوند منان برای ایشان سلامتی و سعادت آرزو مندم. و در پایان از زحمات بی‌شائبه همه استادانم که مرا در عرصه کسب علم و دانش رهنمون شدند کمال تشکر و سپاس را دارم؛ بخصوص از استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر شکراله پورالخاص که با اخلاق، علم و راهنمایی‌های خود مرا در نگارش این پایان‌نامه یاری کردند، سپاسگزارم. همچنین از زحمات استاد گرانقدر جناب آقای دکتر رامین محرمی که دلسوزانه مرا در تدوین این پژوهش یاری دادند، و سرکارخانم دکتر مختاری که قبول زحمت کردند و داوری پایان‌نامه حقیر را بر عهده گرفتند، کمال سپاس را دارم.

امید است که سایه این بزرگواران همیشه بر سر
دانشجویان مستدام باشد.

نام خانوادگی دانشجو: پناهی	نام: صادق
عنوان پایان‌نامه: بررسی اندیشه‌ی عرفانی شیخ محمود شبستری و اقبال لاهوری	
استاد راهنما: دکتر شکراله پورالخاص استاد مشاور: دکتر رامین محرمی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
گرایش: ادبیات محض	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی	تاریخ دفاع: تعداد صفحات: ۱۲۴
<p>چکیده:</p> <p>عرفان، مکتبی فکری و فلسفی است که سالک را نه تنها از راه عقل و استدلال، بلکه از راه شناخت حق و حقیقت بر مبنای کشف و شهود عارفان به سر منزل مقصود می‌رساند. چرا که با این روش، عرفا مفاهیم قرآن و احادیث را با باطن انسان و جهان درون تطبیق داده و در نهایت، اندیشه‌های ناب عرضه کرده‌اند. این ویژگی بعینه در آثار شبستری و اقبال لاهوری آشکار است. شبستری، از نمایندگان مکتب وحدت وجود، به تأثیرپذیری از عرفان ابن عربی در مهم‌ترین اثر خود، گلشن راز که در جواب سؤالات امیر حسین هروی سروده، به بیان اندیشه‌های عرفانی خود پرداخته است و اقبال لاهوری نیز، از مجذوبان شیخ محمود شبستری، یک کتاب منظوم خود را به رسم اعلام و اثبات ارادت ویژه به این عارف بلند نظر، «گلشن راز جدید» نامگذاری نموده و در آن کوشیده که خود با توجه به برداشتها و تفسیری که از سؤالات امیر حسین هروی دارد، پاسخ دهد. و ضمن طرح و سؤال و جواب عرفانی در آن، ابیاتی سروده، که فلسفه و عشق زندگی خویش را به خواننده می‌شناساند. در این پایان‌نامه کوشیدیم با تبیین اشتراکات و افتراقات اندیشه‌ی عرفانی اقبال و شبستری در دو اثر گلشن راز جدید و گلشن راز، پیرامون مباحثی همچون مسأله تفکر، علم و معرفت، وصال ممکن و واجب، قدیم و محدث، مفهوم «من» یا به تعبیر دیگر، «خودی»، انسان کامل، مفهوم انال‌الحق و... سخن به میان آوریم و دیدگاه‌های این دو اندیشمند بزرگ اسلامی را به خوانندگان نشان دهیم.</p>	
کلید واژه‌ها: عرفان، شبستری، اقبال، گلشن راز و گلشن راز جدید	

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسأله	۲
۲-۱- سؤالات اصلی پژوهش	۴
۳-۱- فرضیات پژوهش	۴
۴-۱- هدف (اهداف) پژوهش	۴
۵-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش	۴
۶-۱- پیشینه‌ی پژوهش	۵
۷-۱- مواد و روش‌شناسی پژوهش	۵

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

۱-۲- عرفان	۸
۱-۱-۲- خاستگاه عرفان	۹
۲-۱-۲- وحدت، عنصر اصلی عرفان	۹
۲-۲- وحدت وجود	۱۰
۱-۲-۲- وحدت وجود در عرفان اسلامی	۱۰
۱-۱-۲-۲- ابن عربی پایه‌گذار مکتب وحدت وجود در اسلام	۱۲
۲-۱-۲-۲- شارحان و تابعان ابن عربی	۱۳
۲-۲-۲- وحدت وجود از نظر شبستری	۱۴
۳-۲-۲- وحدت وجود از نظر اقبال	۱۵
۳-۲- شیخ محمود شبستری	۱۶
۱-۳-۲- اساتید شبستری	۱۷
۲-۳-۲- مذهب شبستری	۱۷
۳-۳-۲- آثار شبستری	۱۸
۱-۳-۳-۲- آثار منظوم	۱۸
۲-۳-۳-۲- آثار منثور	۱۸
۴-۲- گلشن راز	۱۸
۵-۲- عرفان شبستری در گلشن راز	۱۹

۲۰	۶-۲-۱ اقبال لاهوری
۲۰	۶-۲-۱-۱ آثار منظوم اقبال
۲۲	۶-۲-۲ آثار منظوم اقبال به زبان اردو
۲۲	۶-۲-۳ آثار منشور اقبال
۲۳	۶-۲-۴ آثار به چاپ نرسیده‌ی اقبال
۲۳	۶-۲-۵ آثار نیمه تمام اقبال
۲۳	۶-۲-۷ سایر آثار اقبال
۲۳	۷-۲ جوهره‌ی شعر اقبال
۲۴	۷-۲-۱ تأثیرپذیری از مولوی و دیگر شاعران
۲۴	۷-۲-۲ آبشخور فکری اقبال
۲۷	۷-۲-۳ اندیشه‌ی توحیدی و قرآنی اقبال
۲۸	۷-۲-۴ اندیشه‌ی اقبال در گلشن راز جدید

فصل سوم: بحث و بررسی

۳۱	۳-۱-۱ تفکر
۳۱	۳-۱-۱-۱ تفکر از دیدگاه شبستری
۴۰	۳-۱-۲ قاعده‌ی تفکر در آفاق
۴۱	۳-۱-۳ قاعده‌ی تفکر در نفس
۴۳	۳-۱-۴ تفکر از نظر اقبال
۵۰	۳-۲ علم و معرفت در نزد شبستری
۵۴	۳-۳ علم و معرفت از نظر اقبال
۵۶	۳-۵ انسان کامل
۵۸	۳-۵-۱ انسان کامل از دیدگاه شبستری
۶۳	۳-۶ انسان نامیدن انسان
۶۳	۳-۶-۱ انسان العین
۶۴	۳-۶-۲ عالم صغیر و انسان کامل
۶۵	۳-۷ حقیقت محمدیه (ص)
۶۷	۳-۸ انسان کامل از نظر لاهوری
۷۱	۳-۸-۱ عارف

۷۲	۳-۸-۱- عارف راستین از دیدگاه شبستری
۷۴	۳-۸-۱-۱- موانع راه عارف و چگونگی طهارت از آن‌ها
۷۵	۳-۸-۲- عارف از دید اقبال
۷۶	۳-۹-۹- انال‌الحق
۷۷	۳-۹-۱- بیان شبستری در مورد انال‌الحق
۸۰	۳-۹-۲- رابطه‌ی رفع تعین در عرفان با انال‌الحق
۸۱	۳-۹-۳- رابطه‌ی انال‌الحق با توحید
۸۲	۳-۹-۴- مفهوم «انال‌الحق» در نزد اقبال
۸۴	۳-۱۰-۱- مفهوم ممکن و واجب
۸۴	۳-۱۰-۱-۱- وصال ممکن و واجب از دیدگاه شبستری
۸۶	۳-۱۰-۲- مفهوم مسأله‌ی ممکن و واجب در بیان اقبال
۸۹	۳-۱۱-۱- در وحدت حدوث و قدم
۹۰	۳-۱۱-۱-۱- تعریف قدیم و حادث
۹۰	۳-۱۱-۲- قدیم و محدث از دیدگاه شبستری
۹۱	۳-۱۱-۳- قدیم و حادث از دیدگاه اقبال
۹۴	۳-۱۲- مفهوم «من» یا فلسفه‌ی «خودی» در اندیشه‌ی شبستری
۹۵	۳-۱۳- مفهوم «من» یا فلسفه‌ی «خودی» در اندیشه‌ی لاهوری
۱۰۲	۳-۱۴- سفر در خویش در نزد اقبال
۱۰۲	۳-۱۵- مراحل تربیت خودی از دیدگاه اقبال
۱۰۴	۳-۱۶- مسأله‌ی «جزء» و «کل» در اندیشه‌ی شبستری
۱۰۶	۳-۱۷- جزء و کل در بیان اقبال
۱۰۷	۳-۱۸- مسأله‌ی جبر و اختیار
۱۰۷	۳-۱۸-۱- مسأله‌ی جبر و اختیار از دیدگاه شبستری
۱۱۰	۳-۱۸-۲- تناقض میان جبر و اختیار
۱۱۱	۳-۱۸-۳- جبر و اختیار از دیدگاه اقبال

فصل چهارم: نتیجه‌گیری

۱۱۵	۴-۱- نتیجه
۱۱۶	۴-۲- منابع و مأخذ

فصل اوّل

کلیّات پژوهش

۱-۱- بیان مسأله

«عرفان، رایج‌ترین مکتب و روش فکری است که در بین همه‌ی ملت‌ها شناخته شده است که برای کشف حقایق جهان و پیوند انسان با حقیقت فقط به عقل و استدلال بسنده نمی‌کند، بلکه به نیروی ذوق، اشراق، وصول و اتحاد تکیه دارد و برای نیل به این مراحل، اعمال و دستوراتی را به کار می‌گیرد. جای پای چنین تفکری را در میان اقوام مختلف و در گستره‌ی تاریخ، حتی در آثار کاملاً ساده و ابتدایی می‌توان یافت.» (فروهر، ۱۳۸۷: ۲۴).

«بزرگترین تحوّل که در قرن هفتم در حوزه‌ی عرفان و تصوّف اتفاق افتاد، ظهور و گسترش افکار و اندیشه‌های ابن عربی (متوفی ۶۳۸) بود که عرفان و تصوّف را به صورت علمی و فلسفی یا همان عرفان نظری درآورد و بین فلسفه و عرفان ارتباطی برقرار کرد. یا به تعبیر دیگر، اصول و مبانی عرفانی را در قالب فلسفی ارائه داد. این تحوّل و دگرگونی در جهان عرفان و تصوّف، تأثیر شگرفی بر جای گذاشت. البته، این دگرگونی به طور کلی منجر به ترک سلوک و شیوه‌ی متصوّفه‌ای که در چهارچوب عرفان عملی و اصطلاحاً سلسله‌ای طی طریق می‌کردند، نگردید. به هر حال، اندیشه‌ی ابن عربی و سپس شاگردان او موجب گردید که دیدگاه‌های عرفانی تغییرات اساسی پیدا کند و در موازات عرفان عملی که بیشتر مربوط به فروع و معاملات عرفانی بود، پیش برد. این مکتب عرفان فلسفی یا به عبارت دیگر، طریقت مدرّسی چنان گسترش یافت که آثار شیخ و شاگردان او در مدارس و حوزه‌های علمی و خانقاه‌ها تدریس می‌شد.» (بلخاری، ۱۳۸۴: ۱۵). در کنار این تحول عرفانی، بزرگانی چون شبستری به تأثیرپذیری از آن، به شیوه‌ی قدمای صوفیه به سیر خود ادامه دادند.

در سراسر ایران اسلامی که مهد علم و عرفان است، همواره شاعران و عارفان مشهوری ظهور کرده‌اند و آثار گرانبه‌ای با مضامین لطیف و پرمغزی را از خود به یادگار گذاشته‌اند. یکی از کتاب‌های معروف عرفانی که شروح بسیاری بر آن نوشته شده است، منظومه‌ی منسجم و گران‌سنگ گلشن راز است که توسط شیخ محمود شبستری به رشته‌ی نظم درآمد. شبستری متعلق به قرن هشتم هجری است که نوشته‌ها و سروده‌هایش شاهد صادقی بر مقام دانش و بینش، عمق اندیشه، ظرافت طبع و دقت نظر اوست. «شبستری این منظومه را در پاسخ سؤالات امیرحسین هروی سروده است. در این اثر، شاعر غالباً تحت تأثیر حکمت «ابن عربی» و شیوه‌ی شعر «عطار» و «مولانا» بوده و مسائل عرفانی را توأم با تمثیلات

و حکایات مناسب بیان نموده است.» (لاهیجی، ۱۳۹۰: ۵). و «در آن ضمن پاسخ به سؤالات، درباره‌ی مسائل گوناگون عرفانی و فلسفی بحث می‌کند و با بیانی دقیق و شاعرانه نظریه‌ی وحدت وجود و نتایج آن را توضیح می‌دهد.» (موحد، ۱۳۷۶: ۴۱). «وی در گلشن راز می‌کوشد تا معقول و منقول را به هم نزدیک کند و بحث عقلی را بر مبنای تجارب روحی، سیر معنوی و معارف ذوقی کشف و استوار سازد.» (همان: ۵۱-۵۰). «گلشن راز مهمترین اثر منظوم شبستری که در بردارنده‌ی اندیشه‌ی عرفانی وی است که در آن، بیان مفاهیم صوفیانه با شور و شوق خاصی همراه گردیده است. در واقع این منظومه بیان شاعرانه‌ای است از مذهب وحدت وجود.» (احمددار، ۱۳۶۵: ۳۵۶). «گلشن راز که با زبانی نمادین سروده شده است و از واژگان چندین سده‌ی شعری و هنری فارسی بهره گرفته است، آراء رسمی صوفیه درباره‌ی موضوعات گوناگونی چون فکر، نفس، معرفت، کثرت و وحدت عوالم وجود، مراتب وجود، سیر و سلوک، قرب و بعد نسبت به خدا و تکامل نفس عرضه می‌کند.» (لوپزن، ۱۳۷۹: ۲۷). از جانب دیگر در زمینه‌ی عرفان، یکی از کسانی که از شیخ محمود شبستری و به خصوص از گلشن راز او تأثیر پذیرفته، اقبال لاهوری است. «اقبال لاهوری از مجذوبان شیخ محمود شبستری شاعر عارف مشهور زیسته در قرن هشتم هجری است، وی یک کتاب منظوم خود را به رسم اعلام و اثبات ارادت ویژه به این عارف بلندنظر، «گلشن راز جدید» نامگذاری نموده و ضمن طرح و سوال و جواب عرفانی در آن، در رابطه با دیدگاه شیخ محمود شبستری ابیاتی سروده است.» (حقیقت‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱۳). «علامه اقبال، از معدود کسانی است که در کنار سیاست، اندیشه‌های دینی و عرفانی را در دل و جان خود پروریده تا جایی که گفته‌اند: بارزترین بعد زندگی اقبال همان بعد عرفانی اوست و همین صفت بارز، او را از سایر شعرا ممتاز می‌کند و در کلام او سوز و تأثیر و حلاوتی دیگر است. او، احیاگر سنت شاعران و عارفان بزرگی چون مولوی، سعدی و حافظ است. وی در شعر عرفانی به دنبال انسان حقیقی و عارف کامل است تا از محضر او معارف الهی بیاموزد، زیرا انسان کامل در نظر او مسلمان، با تمام ابعاد دینی‌اش شناخته می‌شود.» (حسنی ندوی، ۱۳۷۷: ۴). «شعر اقبال تنها شعر نیست، حکمت و عرفان مجرد هم نیست، بلکه جوش و خروش عارفانه است و عرفان او بر پایه‌ی معرفت نفس و تهذیب و تربیت آن تکیه دارد.» (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۳۵۰).

با مطالعه و بررسی اشعار این دو شاعر عارف، می‌توان با اندیشه‌های عرفانی، در قرن هفتم و هشتم آشنا شد و به ابعاد آن پی برد. این پایان‌نامه بر آن است که تا اندیشه‌ی عرفانی این دو شاعر و عارف را در دو اثر «گلشن راز» شیخ محمود شبستری و «گلشن راز جدید» اقبال لاهوری با هم مقایسه کند و وجوه اشتراک و تفاوت در آن‌ها را در زمینه‌ی عرفان مورد بررسی و پژوهش قرار دهد.

۲-۱- سؤالات اصلی پژوهش

- ۱- اندیشه‌ی شیخ محمود شبستری تا چه حد با اندیشه‌ی اقبال لاهوری همخوانی دارد؟
- ۲- اقبال لاهوری از چه اندیشه‌ای متأثر شده است و آبخور اندیشه‌ی اقبال در کجاست؟
- ۳- اشتراک و تفاوت اندیشه‌ی عرفانی اقبال لاهوری و محمود شبستری در چیست؟

۳-۱- فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد با مقایسه‌ی اشعار این دو شاعر از نظر عرفانی به وجوه اشتراک و تاثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر را در این باره پی برد.
- ۲- به نظر می‌رسد با بررسی اشعار این شاعران از جایگاه عرفان در آثار آن‌ها آشنا شد.
- ۳- به نظر می‌رسد با بررسی اندیشه‌های عرفانی این شاعران به تاثیر پذیری آنان از دیگر شاعران همچون مولوی و عطار و غیره پی برد.
- ۴- به نظر می‌رسد با مطالعه و تطبیق کتاب‌های این شاعران، اندیشه‌های عرفانی و دیدگاه‌های آن‌ها را در مورد مسائل عرفانی شناخت.

۴-۱- هدف (اهداف) پژوهش

- مطالعه‌ی دقیق این دو کتاب، گلشن راز شیخ محمود شبستری و گلشن راز جدید اقبال لاهوری، نقش و جایگاه واقعی این دو اثر را در بیان اندیشه‌های عرفانی و در میان آثار عرفانی مشخص می‌کند. به این ترتیب در این تحقیق اهداف زیر دنبال می‌شود.
- ۱- تحلیل و ارزیابی مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی شیخ محمود شبستری و اقبال لاهوری.
 - ۲- انجام یک پژوهش تطبیقی در زمینه‌ی موضوع مورد پژوهش در جامعه دانشگاهی برای کمک به محققان و پژوهشگران در زمینه‌ی اندیشه‌ی عرفانی.
 - ۳- تحلیل تطبیقی اندیشه‌های عرفانی این دو شاعر.

۵-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

- ۱- روشن‌سازی اندیشه‌ی عرفانی در آثار اقبال لاهوری و شیخ محمود شبستری.
- ۲- بررسی بازتاب اندیشه‌ی مذهبی اقبال لاهوری و شیخ شبستری و عرفان آن‌ها.

۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش

- در خصوص این موضوع تاکنون هیچ تحقیق تطبیقی صورت نگرفته است. اما در مورد آثار مختلف و گلشن راز این دو شاعر به طور جداگانه بررسی شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
- ۱- الهی اردبیلی، (۱۳۷۶)، در کتاب «شرح گلشن راز»، مثنوی گلشن راز شبستری را بر مذهب وحدت وجود تفسیر کرده است.
 - ۲- شمس‌الدین محمد لاهیجی، (۱۳۹۰)، در کتاب «مفاتیح الاعجاز شرحی بر گلشن راز»، مثنوی گلشن راز را شرح و تفسیر کرده است.
 - ۳- سعید رحیمیان، (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای «مقایسه‌ی عقاید شبستری و حسینی هروی در گلشن راز و کنزالرموز»، به بیان همانندی‌ها و تفاوت‌های دو نظام عرفانی محبت محور و فرهنگی مدار می‌پردازد.
 - ۴- محمد بقائی، (۱۳۷۹)، بازسازی اندیشه‌های دینی در اسلام اقبال لاهوری را که مشتمل بر هفت گفتار فلسفی در باب تفکر دینی در اسلام است، تالیف نموده است.
 - ۵- محمد بقائی، (۱۳۷۹)، در کتاب «چه باید کرد» که در آن موضوعاتی از قبیل اسرار شریعت تقسیم و ترکیب و غیره مطرح شده است، شرح داده است.
 - ۶- محمد بقائی، (۱۳۷۹)، در کتاب «شعر در زندگی»، به شرح و بررسی تطبیقی اسرار اقبال لاهوری پرداخته است.
 - ۷- محمد بقائی، (۱۳۸۰)، در کتاب «خدا در تصوّر اقبال»، به فلسفه‌ی اقبال و نیز تصویری که او از خدا دارد، پرداخته است.
 - ۸- محمد بقایی، (۱۳۷۹)، گلشن راز جدید اقبال لاهوری را که احمد بشیردار به زبان انگلیسی نوشته، ترجمه کرده و بر آن حواشی افزوده است.
 - ۹- لئونارد لوپزن، (۱۳۷۹)، در کتابی با نام «فراسوی کفر و ایمان» شیخ محمود شبستری، با ترجمه‌ی دکتر مجدالدین کیوانی، درباره‌ی احوال زندگی و آثار افکار عرفانی شیخ محمود شبستری مطالبی را بیان کرده است.
 - ۱۰- بهناز آسیابان‌ها، (۱۳۸۳)، پایان‌نامه‌ای به نام «اندیشه‌های عرفانی در اشعار اقبال لاهوری» نوشته است.

۷-۱- مواد و روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پایان‌نامه به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌های مختلف در زمینه‌ی پژوهش است و جامعه آماری آن، متن کامل کتاب گلشن راز شیخ محمود شبستری و گلشن راز جدید اقبال لاهوری است که اولی با مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی در سال ۱۳۷۳ (چاپ نهم) و دومی با حواشی و ترجمه‌ی محمد بقایی در سال ۱۳۷۹ نوشته شده است.

فصل دوم

مبانی نظری پژوهش

۲-۱- عرفان

عرفان، در لغت به معنای شناختن و دانستن بعد از نادانی و مترادف با «معرفت» به معنای شناسایی حق است و در فرهنگ عمید به معنای «شناختن» و «شناسایی حق تعالی» آمده است. «عرفان در اصطلاح، راه و روشی است که طالبان حق برای نیل به مطلوب و شناسایی حق برمی‌گزینند.» (سجادی، ۱۳۸۶: ۵۷۷). معنای لغوی عرفان همان معرفت است، اما از برخی کاربردهای اصطلاحی عرفان برمی‌آید که آن را به مثابه‌ی نوعی معرفت خاص تلقی می‌کنند که دارای ویژگی‌های طریقی (معرفت‌شناختی) و موضوعی مخصوص به خود است. به تعبیری «عرفان، معرفتی است مبتنی بر حالتی روحانی و توصیف-ناپذیر که در آن حالت برای انسان این احساس پیش می‌آید که ارتباطی مستقیم و بی‌واسطه با وجود مطلق یافته است.» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۰). عرفان، شناخت حق و اسماء و صفات الهی از طریق تهذیب نفس و تزکیه و طهارت درونی است که در اثر سیر و سلوک حاصل می‌شود و تفسیر ویژه‌ای از عالم و آدم یا جهان هستی ارائه می‌کند که در پرتو آن عالم را جلوه‌ی حق و مظهر اسمای حسنا‌ی الهی می‌بیند و توحید، واپسین مقصد سیر و سلوک عارف است. توحیدی که وجود حقیقی را منحصر در خدا دانسته و ماسوای الهی را تجلیات آن وجود و نمود می‌داند، نه بود.

عرفان در ذات و جوهره‌ی خود همانا نوعی معرفت مستقیم و تحقیقی (وجودی) به حقیقت وحدانی هستی می‌باشد. «عرفان، طریقه‌ی معرفت در نزد آن دسته از صاحب‌نظران است که بر خلاف اهل برهان در کشف حقیقت بر ذوق و اشراق بیش‌تر اعتماد دارند تا بر عقل و استدلال. این طریقه در بین مسلمین تا حدی مخصوص صوفیه است. در نزد سایر اقوام بر حسب تفاوت مراتب و به نسبت ظروف زمانی و مکانی خاص، نام‌های مختلف دارد که آن همه را امروز تحت عنوان میستیسیسم^۱ یا معرفت اهل سر می‌شناسند.» (همان: ۹).

طریقه‌ی معرفت همواره از دیرباز در میان ادیان مختلف بوده است و می‌توان گفت که عرفان امری عام است که با وجود عقاید و آموزه‌های گوناگون در میان مذاهب مختلف دارای اشتراکاتی می‌باشد و همین وجه تشابه زمینه را برای بررسی و مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌های عرفان آیین‌های مختلف فراهم کرده است.

1 -mysticism

۲-۱-۱- خاستگاه عرفان

گفته‌اند: عرفان، ساخته‌ی اندیشه‌ی قلدران و ستمگران است. آن‌ها برای رام کردن و آرام نگه داشتن محرومان و ستمدیدگان تاریخ، عرفان و دین را به معرکه آوردند تا از خشم و خروش «نفرین شدگان زمین» در امان باشند و با پروردن و دامن زدن به احساسات عرفانی، مشغول کردن توده‌های زیر ستم به اوراد و اذکار و تخیلات، خود راحت زندگی کنند. آورده‌اند که اندیشه‌ی عرفان و جوشش حس عرفانی، زائیده‌ی محرومیت‌ها و نگون‌بختی‌ها و حرمان‌های اقتصادی است. از طرف دیگر گفته‌اند: عرفان و تصوّف پاسخی بر قدرت‌ها و زورمندان است، پاسخی که با نوعی بی‌اعتنایی به قدرت، و نوعی «استغنا» از زور و زر زورمندان همراه بوده و گونه‌ای از مبارزه منفی تلقی می‌شد. (اصغری، ۱۳۸۹: ۴۰).

۲-۱-۲- وحدت، عنصر اصلی عرفان

هستی، حقیقت واحدی است که در باطن با وحدت کامل خویش از هر گونه تفرقه و کثرتی منزّه است و ظاهری دارد که منشأ نمایش کثرت است و این کثرت‌ها ظاهری و خیالی هستند، نه واقعی و حقیقی.

جناب حضرت حق را دوئی نیست
در آن حضرت من و ما و توئی نیست
من و ما و تو و او هست یک چیز
که در «وحدت» نباشد هیچ تمییز

(شبستری، ۱۳۸۶: ۶۴)

استیس، محقق انگلیسی می‌نویسد: «وحدت یا واحد تجربه و مفهوم کانونی تمام عرفان‌های گوناگون است.» (استیس، ۱۳۸۸: ۵۹). وحدت در عرفان اسلامی یک عنصر و عامل اساسی است. وقتی جنید این حدیث را که «کان الله و لم یکن معه شیئی» شنید: گفت الآن کما کان.» (جامی، ۱۳۵۶: ۶۷).

حقیقت همانند آب دریا، و پدیده‌ها و حوادث همچون امواج و حباب‌اند که اگر سطحی به آن‌ها بنگریم حباب و امواج حقایق جداگانه به نظر می‌رسند، اما اگر عمیقاً در آن‌ها نگرش شود در آن‌جا هر چه هست آب است و بقیه، جلوه‌ها و مظاهر آن‌اند و دارای ذات مستقلی نیستند و در حقیقت، نیستی‌های هستی نام و نمود بی‌بود می‌باشند.

موج‌هایی که، بحر هستی راست
جمله مر آب را حباب بود
گرچه آب و حباب باشد دو
در حقیقت حباب، آب بود
پس از این روی هستی اشیا
راست چون هستی سراب بود

(یثربی، ۱۳۸۴: ۳۹).